

مهاجرت یهودیان وضعیت گذشته و حال مهاجران یهودی

مقدمه

صهیونیستها برای مهاجرت خود به فلسطین واژه «اوله» به معنای صعود را به کار می برند و برای مهاجران از واژه «اولیم» به معنای صعود کنندگان به سرزمین اسرائیل استفاده می کنند. بسیاری از یهودیان براین باورند که صعود به سرزمین اسرائیل از فرامین خدواند است که باید بدان عمل کرد. به همین دلیل، مهاجرت یهودیان به فلسطین به یکی از پایه های اصلی پیدایش اسرائیل و یکی از عناصر تضمین کننده بقای آن تبدیل شد. در واقع، اسکان مجدد یهودیان در فلسطین و ایجاد یک دولت به مثابه تنها وسیله حل مشکل یهودیان و یکی از هدفهای جنبش صهیونیستی بود.^۱

از زمان صدور اعلامیه بالفور در ۱۹۱۷، تعداد زیادی از یهودیان وارد فلسطین شدند. در دوره قیمومت بریتانیا در فلسطین نیز تعداد زیادی از یهودیان به سرزمین فلسطین مهاجرت کردند. رهبران جنبش صهیونیستی نیز مجدانه کوشیدند تعداد مهاجران یهودی را افزایش دهند. آنها براین باور بودند که ادامه برنامه مهاجرت یهودیان از وظایف اصلی دولت بوده و می تواند موجودیت دولت اسرائیل را توجیه کند.^۲ بن گوریون توقف برنامه مهاجرت یهودیان را به مثابه «نادیده گرفتن حق سکونت یهودیان در این سرزمین و بالاتر از آن از بین بردن این حق» تلقی می کرد.^۳

* صلاح عبدالله، ساکن قبرس، پژوهشگر فلسطینی، کارشناس امور اسرائیل، مسلط به زبان عبری و عضو موسسه مطالعات فلسطین (نیکوزیا) است.

در بررسی ریشه های پیدایش جنبش صهیونیستی باید گفت که فعالیت برای ایجاد موطن یهودیان بین ۱۸۶۰ تا ۱۸۸۰ افزایش چشمگیری یافت، حتی برخی طرحهای مربوط به اسکان یهودیان در فلسطین صملاً به اجرا درآمد. همزمان با این فعالیت، مهاجرت یهودیان به انگیزه تحقق آرزوهای قومی و اجتماعی شکل دیگری بخود گرفت. هرتزل نیز با کمک استعمارگران غربی موفق شد سرزمین فلسطین را به بتری مناسب برای هدفهای صهیونیسم تبدیل کند.^۲

مهاجرت پیشتازان جنبش «عاشقان صهیونیسم»^۳ به فلسطین (۱۹۳۸ - ۱۸۸۲)، نخستین بخش از سلسله مهاجرتهای یهودیان به شمار می رود. در این دوره حدود ۷ گروه از یهودیان به فلسطین مهاجرت کردند. این مهاجرت جمعیت یهودیان را از ۲۴ هزار نفر، در اوایل ۱۸۸۲، به ۷۵۸۳۷۵ نفر در ۱۹۴۸ رساند.

در پی برگزاری کنگره بال (۱۸۹۷) و اجرای اولین برنامه هماهنگ جنبش صهیونیستی، طرحهای صهیونیسم مورد توجه جهانیان قرار گرفت و از سوی دولتهای آلمان، روسیه و بریتانیا حمایت شد. حمایت دولتهای مزبور از طرحهای صهیونیستی در شکل اعمال فشار بر دولت عثمانی به منظور گشودن راه مهاجرت یهودیان به فلسطین ظاهر شد.^۴

مهاجرتهای بعدی یهودیان، چه به لحاظ مبدأ مهاجرت و چه از نظر شخصیت مهاجران، مشخصه دیگری نیز داشت. طبق نقشه هرتزل، در مرحله اول باید فقیران برای ساختن جاده و پل و خانه های مسکونی و دیگر نیازهای عمومی به فلسطین مهاجرت کنند. در مرحله بعد، باید بنیانگذاران وارد شوند و در مرحله آخر، مهاجران ثروتمند به فلسطین بروند.^۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

روند مهاجرت یهودیان

روند مهاجرت یهودیان به فلسطین، برحسب تحولات سیاسی، نظامی، اجتماعی و اقتصادی دوره مهاجرت دستخوش نوسان بود:

مهاجرت نخستین (۱۸۹۷ - ۱۸۸۰)

تشکیل اولین گروه مهاجر یهودی، در پی ترور الکساندر دوم، تزار روسی (۱۸۸۰)، صورت گرفت. بخش اعظم این مهاجران را یهودیان روسیه و اروپای شرقی تشکیل می دادند. آنان بر اثر ترور تزار مورد اذیت و آزار قرار گرفته بودند. مهاجرت این گروه در دو مرحله صورت گرفت:

الف) از ۱۸۸۰ تا ۱۸۹۷، در این مرحله گروهی که خود را «عاشقان صهیون» می نامیدند، تحت رهبری بارون روچلید (۱۹۰۰ - ۱۸۸۵) عازم فلسطین شدند و با پشتوانه مالی او به حدود ۳۲۰۰ هکتار از زمینهای کشاورزی «ریشون صهیون» و «جدیرا» دست یافتند.^۸

ب) از ۱۸۹۷ تا ۱۹۰۳، این مرحله با ظهور جنبش سیاسی صهیونیسم، پس از انتشار کتاب هرتزل تحت عنوان دولت یهود در ۱۸۹۶، همزمان بود. در این مرحله پیشرفت آشکاری در تشکیلات و سیاست صهیونیستی مشاهده شد. نخستین کنگره صهیونیستی نیز در همین مرحله (۱۸۹۷) برگزار شد. تا ۱۹۰۳، ۵ کنگره تشکیل شد که در نهایت به تشکیل «شرکت آبادانی یهودیان» در ۱۹۰۲ و «شرکت انگلستان و فلسطین» در ۱۹۰۳ انجامید. این شرکت بعدها به «بانک انگلستان و فلسطین» تغییر نام داد.^۹ در ۱۹۰۳، حدود هزار نفر از یهودیان در فلسطین اسکان یافتند که بیش از نیمی از آنان در بخش کشاورزی و در زمینی به مساحت ۳۵۰ هزار دونام^{۱۰} کار می کردند. از این تعداد، حدود ۴۵۰ نفر از یهودیان یمن بودند - آنان را مقامات انگلیسی از عدن به فلسطین منتقل کردند. این دسته از یهودیان در حیفا اسکان یافتند. آمار کلی مهاجران در این مرحله به رقمی حدود ۲۵ هزار مهاجر رسید که بخش اعظم آنان از خانواده های کم درآمد رومانیایی و روسی بودند.^{۱۱}

مهاجرت دوم (۱۹۱۸ - ۱۹۰۴)

تعدادی از رهبران صهیونیست، به رغم مرگ هرتزل (۱۹۰۴) تلاش کردند تا تمام مصوبات کنگره صهیونیستی را به مورد اجرا گذارند. این مرحله را می توان از مراحل پرتنش دانست که مستقیم یا غیرمستقیم سمت و سوی رویدادها را به سود طرحهای صهیونیستی در فلسطین سوق داد. در این بین و در ۱۹۰۸، اعراب بدون توجه به طرحهای صهیونیسم در فلسطین که با تأسیس «دفتر فلسطین» به ریاست ارثور رابین در ۱۹۰۹ ابعاد عملی تری بخود گرفت، به مقابله با سلطه امپراتوری عثمانی پرداختند. با تأسیس دفتر فلسطین، در واقع هسته اولیه طرحهای نظامی یهودیان در فلسطین پدید آمد.^{۱۲}

بخش اعظم مهاجران را جوانان ماجراجو و بیکار تشکیل می دادند که سازمانهای صهیونیستی آنها را جذب کرده بودند. در مهاجرت دوم، حدود ۱۵۰۰ تن از یهودیان یمن وارد فلسطین شدند که در زمینهای کشاورزی مستقر گردیدند. در جریان مهاجرت دوم، شهرکهای یهودی نشین و تعاونی های کشاورزی تشکیل شد. در این بین، جنبش صهیونیسم نظارت دقیقی بر روند اسکان یهودیان و زندگی آنها در فلسطین

داشت، حتی یهودیان مهاجر از آزادی رفت و آمد و یا خرید ملک و ابزار کار و مسکن و یا خرید وسایلی که به آنها امکان دهد فلسطین را ترك کنند و به کشور خود بازگردند، محروم بودند.^{۱۳}

بدین ترتیب، پدیده کشاورزی گروهی شکل گرفت تا از یکسو، مهاجران یهودی بیش از پیش تحت مراقبت صهیونیست ها درآیند و از سوی دیگر، امکان بیرون راندن اعراب از زمینهای خود و انتقال مالکیت زمینها به صهیونیست ها فراهم شود. جنبش صهیونیستی، در جریان مهاجرت مرحله دوم، تلاش کرد تا نیروهای انسانی سیاست اسکان یهودیان را در فلسطین تأمین کند.^{۱۴}

برپایه آمار صهیونیست ها، تعداد یهودیان ساکن فلسطین در پی شروع جنگ جهانی اول (۱۹۱۴) و پایان یافتن مرحله دوم مهاجرت صهیونیست ها به رقمی در حدود ۸۵ هزار تن رسید. همچنین زمینهای تحت مالکیت یهودیان به ۴۱۸ هزار دونام بالغ گردید که در آن حدود ۴۴ تعاونی های کشاورزی تشکیل شده بود.^{۱۵}

مهاجرت سوم (۱۹۲۳ - ۱۹۱۹)

مرحله سوم مهاجرت یهودیان به فلسطین با وقوع انقلاب روسیه - که با قتل عام یهودیان در اوکراین و سپس در لهستان و مجارستان همراه بود - و نیز گنجاندن اعلامیه بالفور در سند قیمومت بریتانیا بر فلسطین همزمان بود. در ماده ششم منشور قیمومت بریتانیا بر فلسطین تصریح شده بود که دولت بریتانیا متعهد می گردد شرایط مهاجرت یهودیان را به فلسطین تسهیل کرده، با همکاری آژانس یهود، اسکان آنها را در زمینهای دولتی و غیردولتی ترغیب کند. همچنین ماده ششم این منشور بر ضرورت ایجاد تسهیلات لازم جهت اعطای شناسنامه فلسطینی به یهودیان مهاجر تأکید می کند.^{۱۶}

مقامات بریتانیایی در ۲۶ اوت ۱۹۲۰، قانونی وضع کردند تا امکان بازگشت یهودیانی که در دوره جنگ از فلسطین اخراج شدند، فراهم گردد. در این قانون، هیچگونه محدودیتی برای مهاجرت یهودیانی که قصد داشتند با انگیزه های مذهبی وارد فلسطین شوند، وضع نگردیده بود. همچنین به موجب این ماده از قانون، سازمان جهانی صهیونیسم صلاحیت یافت که سالانه تعداد ۱۶,۵۰۰ تن از یهودیان را به فلسطین منتقل کند، به شرط آنکه خود مسئولیت اداره آنها را به مدت یک سال برعهده گیرد.^{۱۷} در این مرحله از مهاجرت، حدود ۳۵ هزار مهاجر یهودی - سالانه ۸ هزار مهاجر - از روسیه، آلمان و ایالات متحده آمریکا وارد فلسطین شدند. افراد بی بضاعت بخش اعظم این مهاجران را تشکیل می دادند.

با وقوع انقلاب اکتبر در روسیه، مهاجرت یهودیان این کشور به دلیل

محدودیت‌های اعمال شده از سوی اتحاد جماهیر شوروی کاهش یافت.^{۱۸} مهاجران یهودی در این مرحله نقش عمده‌ای در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی فلسطین ایفا کردند. علاوه بر ایفای نقشی مهم در چارچوب شهرک‌های شبه نظامی (کیبوس)، به تأسیس هستادروت (اتحادیه کارگری) و دیگر سازمان‌های کارگری مبادرت کردند.^{۱۹} سازمان صهیونیستی «هاگانا» نیز در همان زمان (۱۹۲۰) تأسیس شد. جدول زیر تعداد یهودیان مهاجر را طی مرحله سوم مهاجرت نشان می‌دهد.^{۲۰}

سال	تعداد مهاجران	درصد مهاجران نسبت به یهودیان ساکن فلسطین
۱۹۱۹	۱۸۰۶	۳٫۲
۱۹۲۰	۸۲۲۳	۱۳٫۵
۱۹۲۱	۸۲۹۴	۱۱٫۵
۱۹۲۲	۸۶۸۵	۱۰٫۴
۱۹۲۳	۸۱۷۵	۹٫۱
جمع کل	۳۴۹۸۵	

مهاجرت چهارم (۱۹۳۲ - ۱۹۲۴)

در مرحله چهارم مهاجرت، تعداد زیادی از یهودیان وارد فلسطین شدند. این مهاجرت، بویژه پس از صدور قوانین مربوط به محدود شدن مهاجرت به آمریکا، در ۱۹۲۴، افزایش یافت. در این مرحله، حدود ۹۴ هزار یهودی از طبقه متوسط به فلسطین مهاجرت کردند که بیش از نیمی از آنان لهستانی بودند. مهاجران این مرحله با سرمایه خود طرح‌های کوچک را به مورد اجرا گذاشتند.

در ۱۹۲۸، تعداد مهاجران یهودی شوروی به دلیل اعطای حق خودمختاری به یهودیان جمهوری آذربایجان کاهش یافت. مهاجرت یهودیان در این مرحله بدین قرار بود:

در ۱۹۲۵، مهاجرت یهودیان به اوج خود رسید و تعداد ۳۲ هزار مهاجر به فلسطین رفتند، در حالی که در ۱۹۲۴، ۱۳ هزار تن از مهاجران یهودی وارد فلسطین شدند.

در ۱۹۲۶، یک بار دیگر تعداد مهاجران کاهش یافت و به رقمی در حدود ۱۳ هزار تن رسید.^{۲۱}

در دو سال آخر، مهاجرت معکوس یهودیان در مقایسه با تعداد مهاجران

به فلسطین، افزایش یافت، به گونه ای که آژانس یهود ناچار شد به یهودیان بیکار حقوق دوران بیکاری پردازد. همچنین آژانس یهود برای به کارگیری مهاجران جدید، برخی طرحهای اقتصادی را با دریافت کمکهای مالی از بریتانیا و آمریکا به مورد اجرا گذاشت. تعداد مهاجران یهودی در ۱۹۳۱-۱۹۲۹ در سطح محدودی باقی ماند. به عبارت دیگر، در فاصله ۱۹۳۰-۱۹۲۹، حدود ۵ هزار نفر در سال و در ۱۹۳۱، حدود ۴ هزار نفر وارد فلسطین شدند.

در ۱۹۳۲، مهاجرت یهودیان بار دیگر افزایش یافت و به حدود ۹۵۵۳ نفر رسید. در همین سال، حدود ۲۵ هزار یهودی یمن به فلسطین مهاجرت کردند. در پایان این مرحله از مهاجرت، حدود ۱۷۵ هزار یهودی در فلسطین ساکن بودند که تعداد سکونت ۱۳۶ هزار تن از آنان در مجتمعهای مسکونی شهری و باقیمانده آنان در شهرکهای روستایی سکونت داشتند.^{۲۲} در این مرحله از مهاجرت، یهودیان بر زمینها تسلط یافتند. اطلاعات موجود نشان می دهد که در ۱۸۸۲، فقط ۲۲ هزار دونام از زمینهای فلسطین در مالکیت یهودیان بود، در حالی که با ادامه این سیاست، مساحت زمینهای آنان در پایان جنگ جهانی اول به ۴۱۸ هزار دونام رسید.^{۲۳} یادآوری این نکته ضروری است که همزمان با شروع دوره قیمومت بریتانیا بر فلسطین، نمایندگان این دولت نقش مهمی در انتقال بخش زیادی از زمینهای فلسطین به یهودیان ایفا کردند.^{۲۴} زیرا یهودیان در دوره قیمومت بریتانیا حدود ۵۰۰ هزار دونام از زمینها را به دلیل همکاری نمایندگان دولت بریتانیا با نهادهای صندوق ملی یهودیان و صندوق بنیانگذاران و سازمان پیکا تصاحب نمودند. به عنوان مثال، حدود ۲۰۰ هزار دونام از زمینهای فلسطین به صورت بلاعوض از سوی حکومت «قیم» به یهودیان اهدا شد. همچنین یهودیان موفق شدند حدود ۵۲۶ هزار دونام از زمینهای اعراب غیرفلسطینی را خریداری کنند.^{۲۵}

بدین ترتیب، یهودیان در زمان صدور فرمان مربوط به تجزیه فلسطین به ۱,۴۲۵,۰۰۰ دونام از زمینهای فلسطین دست یافته بودند.^{۲۶} البته، یوسف وایتس تصریح می کند که مساحت زمین یهودیان در زمان صدور فرمان تجزیه به ۱,۸۲۰,۰۰۰ دونام بالغ می شد.^{۲۷}

مهاجرت پنجم (۱۹۳۹ - ۱۹۳۳)

مرحله پنجم مهاجرت یهودیان با انتقال ۳۵۰ مهاجر لهستانی به وسیله کشتی ویلوس به فلسطین شروع شد. بدین ترتیب، از ۱۹۳۰، متوسط مهاجرت یهودیان

به فلسطین روبه افزایش نهاد. این افزایش با شروع قدرت یافتن حزب نازی در آلمان و موفقیت هیتلر در دستیابی به قدرت، در ۱۹۳۰، همزمان بود. همچنین تلاشهای رهبری صهیونیسم در بین یهودیان و تحت فشار قرارداد آنها توسط حزب نازی و نیز تسهیلات دولت بریتانیا برای نشان دادن حسن نیت در برابر یهودیان، پس از الغای کتاب باسفیلد (۱۹۳۰)، همه در افزایش متوسط مهاجرت دخالت داشت. تعداد مهاجران در ۱۹۳۳، به ۳۰,۳۷۳ نفر (طبق گفته دولت بریتانیا) یا ۳۸,۶۵۶ نفر (طبق گفته صهیونیست ها) رسید.^{۲۸} این مهاجرت در ۱۹۳۵ به اوج خود رسید، به گونه ای که تعداد مهاجران یهودی در این سال به ۶۲ هزار تن بالغ شد. اما پس از آن، یهودیان یمن در همان سال وارد فلسطین شدند. جنبش صهیونیستی در این مرحله از مهاجرت، سازمان دهی جوانان و نوجوانان را تحت عنوان «هجرت جوانان» آغاز کرد. حتی تعداد زیادی از کودکان یهودی نیز در همین مرحله از اروپا به فلسطین منتقل شدند. جنبش صهیونیستی موفق شد از ۱۹۳۳ تا مه ۱۹۴۸ حدود ۳۰ هزار کودک یهودی را به فلسطین انتقال دهد.^{۲۹}

در مورد مهاجرت یهودیان آلمان باید گفت که حدود ۴۵ هزار تن از آنان به دنبال توافق جنبش بین المللی صهیونیسم و سازمان یهودیان با حزب نازی آلمان وارد فلسطین شدند. با مطالعه دایرة المعارف یهودیان این نکته به چشم می خورد که دوران مبارزه با یهودیان در آلمان، به ۱۹۳۳ یعنی پس از روی کار آمدن حزب نازی در این کشور، باز می گردد. به طور مشخص، این مبارزه زمانی آغاز شد که ۴۰۰ تن از یهودیان ثروتمند آلمان در ۳۰ ژوئیه ۱۹۳۳ دستگیر شدند و در نورمبرگ - مرکز حزب نازی - مورد اذیت و آزار قرار گرفتند.^{۳۰}

در همین دوره، بخش اعظم نیروهای بین المللی مخالف خود را با حزب نازی اعلام کردند. سازمانهای یهودی نیز حکومت نازی ها را در آلمان محکوم نموده و همکاری با این دولت را تحریم کردند. اما رهبری جنبش صهیونیسم، از روی کار آمدن هیتلر استقبال کرد. خاخام برلن، از صهیونیست های معروف، در ۳۰ ژانویه ۱۹۹۳ اعلام کرد: «حاکمیت هیتلر، آغاز بازگشت یهودیان به خویشتن خویش است.^{۳۱} همچنین جنبش صهیونیستی تلاش کرد با دولت نازی روابط اقتصادی برقرار کند. حتی در هیجدهمین کنگره یهودیان، در ۱۹۳۳، کمیته اجرایی جنبش صهیونیسم از طرح موضوع مبارزه نازی ها با یهودیان آلمان جلوگیری کرد. این کمیته موفق شد کنگره را از صدور قطعنامه مربوط به تحریم کالاهای آلمان باز دارد.^{۳۲} در مقابل این خدمات، نازیها به اتحادیه صهیونیست های آلمان اجازه دادند فعالیت رسمی خود را دنبال کند. اما در همان حال، نازی ها در یک اقدام جانبدارانه از

صهیونیست ها، همکاری خود را با اتحادیه مرکزی یهودیان آلمان قطع کردند. در واقع، همکاری رسمی بین جنبش صهیونیستی و نازی ها در همان سالی آغاز شد که یهودیان آلمان تحت فشار نازی ها قرار گرفتند. در اول مه ۱۹۹۳، مذاکرات شرکت صهیونیستی «هانتوتایا» با وزارت اقتصاد آلمان برای صدور مرکبات فلسطین به این کشور شروع شد. این مذاکرات در ۱۲ اگوست ۱۹۳۳ به امضای قراردادی منتهی گردید که در تاریخ روابط صهیونیست ها با نازی ها به «موافقت نامه حمل و نقل دوجانبه» معروف شد. به موجب این موافقت نامه، مهاجرت ۶۰ هزار یهودی ثروتمند به فلسطین طی سالهای ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۹ امکان پذیر شد. همچنین به دنبال امضای این موافقت نامه، حدود ۸/۱ میلیون پوند فلسطین (۴۰,۴۱۹,۰۰۰ دلار) سرمایه به صورت کالای آلمانی وارد فلسطین شد که بعدها در جهت اجرای طرحهای صهیونیستی در سرزمین فلسطین به مصرف رسید. در این مرحله از مهاجرت، حدود ۲۱۵ هزار تن وارد فلسطین شدند که بخش اعظم آنان از کشورهای اروپایی بودند.

۲۲

پنجمین مرحله مهاجرت یهودیان به فلسطین

سال	تعداد مهاجران	درصد مهاجران نسبت به یهودیان ساکن فلسطین
۱۹۳۳	۳۷۳۳۷	۱۷٫۷
۱۹۳۴	۴۵۲۶۷	۱۷٫۷
۱۹۳۵	۶۶۴۷۲	۲۰٫۶
۱۹۳۶	۲۹۵۹۵	۸٫۰
۱۹۳۷	۱۰۶۲۹	۲٫۷
۱۹۳۸	۱۴۶۷۵	۳٫۶

مهاجرت ششم (۱۹۳۸ - ۱۹۳۹)

فلسطین یکی از نقاطی بود که بشدت تحت تأثیر پیامدهای جنگ جهانی دوم قرار گرفت، بویژه آنکه مهاجرت یهودیان با سیاستهای بریتانیا در فلسطین، از ابتدای دوره قیمومت این کشور در این سرزمین، مرتبط بود. می توان مهاجرت یهودیان را به فلسطین طی دوران جنگ جهانی دوم به شکل زیر ترسیم کرد.

در این مرحله، جنبش صهیونیستی بدون اخذ موافقت مقامات بریتانیایی در فلسطین، اقدام به سازمان دهی مهاجرت غیرقانونی یهودیان کرد. بهانه جنبش صهیونیستی این بود که مقامات بریتانیا با تعداد مهاجران موردنظر صهیونیست ها موافقت نمی کردند؛ زیرا در صورت موافقت مقامات بریتانیایی جنبش می توانست

تعداد بیشتری از یهودیان را به فلسطین منتقل کند اما طبق آما موجود، تعداد یهودیانی که در فاصله ۱۹۴۵ - ۱۹۳۵ وارد فلسطین شدند، ۸۰ هزار تن است که از این تعداد فقط ۱۸ هزار نفر به صورت غیرقانونی به فلسطین منتقل شدند.^{۳۲} همچنین کتاب سفید مشخص کرده بود که تعداد یهودیان مجاز برای ورود به فلسطین در فاصله اول آوریل ۱۹۳۹ تا ۳۱ مارس ۱۹۴۴، ۷۵ هزار مهاجر است. به عبارت دیگر، رهبری جنبش صهیونیستی موفق شده بود فقط ۵ هزار مهاجر را بیش از رقم تعیین شده از سوی مقامات بریتانیایی وارد فلسطین کند.

در حقیقت، رهبری جنبش صهیونیستی با طرح موضوع فوق قصد داشت همدردی جهانیان را نسبت به وضعیت یهودیان برانگیزد تا اگر این جنبش، خواهان ایجاد دولت مستقل برای یهودیان شود، جهانیان آن را پذیرا گردند. ایگال آلون تصریح می کند که نقش صهیونیسم در این زمینه صحیح نبود، زیرا مبارزه اصلی حول شعار «مهاجرت و شهرک سازی» متمرکز بود و مبارزه مسلحانه علیه بریتانیا فقط یک وسیله، نه هدف، بود که بخش سیاسی شورای اجرایی جنبش بین المللی صهیونیسم در جهت زمینه سازی برای فعالیت بیشتر صهیونیست ها در لندن، دیگر نقاط جهان، و سازمان ملل متحد هدایت می کرد.^{۳۵} همچنین فعالیت تبلیغاتی بر مبنای آروزهای ملی یهودیان و کشتار و قتل عام آنان به وسیله نازی ها و همزمانی این اقدامات با ممانعت دولت بریتانیا از ورود یهودیان به سرزمین مورد علاقه خود (فلسطین) متمرکز شده بود.^{۳۶}

به رغم اینکه جنبش صهیونیستی به خاطر مقولات اعتقادی خود در مورد جذب هرچه بیشتر یهودیان به فلسطین پافشاری می کرد، صهیونیست ها چندان تمایلی به ورود بیشتر یهودیان به فلسطین نداشتند. یکی از رهبران صهیونیست در ۲۴ ژانویه ۱۹۴۰، به کنسول آمریکا در شهر قدس اطلاع داد که سازمان جهانی یهودیان در حال حاضر مهاجرت غیرقانونی یهودیان را به فلسطین ترغیب نمی کند؛ زیرا ورود هزاران تهیدست به فلسطین مشکلات زیادی در کار رسیدگی به آوارگان ایجاد می کند و در نهایت شرایط سیاسی نامناسبی را پدید آورد که جنبش صهیونیستی قادر به حل و تحمل پیامدهای آن در شرایط جنگ جهانی دوم نیست.^{۳۷}

از سوی دیگر، با وجود تمام تبلیغات صهیونیستی علیه قیمت بریتانیا بر فلسطین، می توان از طریق مطالعه آمار به این نتیجه رسید که مقامات بریتانیایی همه تسهیلات لازم را در جهت تحقق خواسته های جنبش صهیونیستی در مورد درخواستهای مهاجرت فراهم می کردند. در این مورد باید اشاره کرد که در ۱۴ سپتامبر ۱۹۴۴، جلسه ای بین استانی، وزیر مستعمرات بریتانیا، و نمایندگان سازمان جهانی

یهودیان برگزار شد که در آن وی موافقت خود را با درخواست «موسی شارتوک»، رئیس دایره سیاسی سازمان جهانی یهودیان، مبنی بر تجدید نظر در تعداد مشخص شده یهودیان در کتاب سفید به شکل زیر اعلام کرد:

۵۰۰ مهاجر	رومانی و بلغارستان
۹۰۰ مهاجر	ایتالیا
۲۰۰۰ کودک	فرانسه
۱۰۰۰ کودک	سوئیس
۲۰۰۰ کودک	بلژیک
۱۰۰۰ کودک	عدن
۱۰۰۰ کودک	ترکیه

مجموع این مهاجران متشکل از کودک و مهاجر به تعداد ۱۰۳۰۰ تن می رسید.^{۲۸} در گزارش ۱۹۴۰ سازمان جهانی یهودیان آمده است: «به سازمان جهانی یهودی اجازه داده شد که در سال ۱۹۴۰، تعداد ۴۴۵۷ تن مهاجر را به فلسطین وارد کند. تعداد مهاجران سال قبل (یعنی در سال ۱۹۳۹) ۱۶۴۰۵ تن بود. همچنین دولت بریتانیا در فاصله ماه آوریل و سپتامبر سال ۱۹۴۰ به دلیل شرایط جنگی، تعداد ۹۰۵۰ اجازه صادر کرد.»

در همین گزارش آمده است که سازمان جهانی یهودیان تعداد ۷۰۳۳ تن مهاجر را بدون اجازه مقامات بریتانیا وارد فلسطین کرد.^{۲۹} در مورد چگونگی ورود این مهاجران به فلسطین باید گفت که آنها یا از راه دریا به طور مستقیم وارد فلسطین می شدند و یا از طریق بندرهای ترکیه و بالکان و سپس از طریق زمین یا دریا به فلسطین مهاجرت می کردند. در این میان، تعداد ۲۱ فروند کشتی در طول سالهای جنگ به بندر فلسطین وارد شد که در مجموع حدود ۱۵ هزار مهاجر غیرقانونی را وارد فلسطین کرد. بعدها، اسناد محرمانه دولت بریتانیا فاش کردند که ناوگان بریتانیا که طبق ادعای مقامات این کشور موظف بود از سواحل فلسطین در مقابل ورود غیرقانونی یهودیان حفاظت کند، به کشتی های حامل مهاجران غیرقانونی کمک سوختی و غذایی می کرد و آنها را به سواحل فلسطین هدایت می نمود تا به صورت نمایشی عملیات توقیف این کشتی ها به مورد اجرا گذاشته شود.^{۳۰} همچنین دولت بریتانیا، در تابستان ۱۹۴۳، به سفارت خود در ترکیه دستور داد به «یهودیانی که از سرزمینهای تحت اشغال نازی ها»

فرار کرده اند، ویزای ورود به فلسطین بدهد. آمریکا نیز در ۱۹۴۴، عملیات خروج یهودیان ساکن سرزمینهای تحت اشغال نازی ها را شروع کرد و به همین منظور دفتر ویژه ای به نام «دفتر مهاجران جنگ» افتتاح نمود.^{۴۱}

از سوی دیگر، ترومن، رئیس جمهور آمریکا، بلافاصله پس از پایان جنگ جهانی دوم، خواهان انتقال فوری ۱۰۰ هزار تن از یهودیان به فلسطین شد. به همین منظور، کمیته ای به نام کمیته تحقیق انگلیسی - آمریکایی برای بررسی میزان ظرفیت فلسطین برای جذب یهودیان آواره اروپایی تشکیل شد. این کمیته، در اول مه ۱۹۴۶، توصیه نامه خود را که حاوی تأیید درخواست ترومن بود، منتشر کرد.^{۴۲}

مقامات دولت قیم بریتانیا راههای ورود مهاجران یهودی را در تمام زمینه ها گشودند. پس از جنگ جهانی دوم (۱۹۴۸ - ۱۹۴۵)، تعداد ۶۵ فروند کشتی، حامل ۷۰ هزار یهودی مهاجر به سواحل فلسطین رسید. تعدادی از این مهاجران موفق شدند به فلسطین وارد شوند و دولت بریتانیا ناچار گردید ۵۰ هزار تن از آنان را در اردوگاههای ویژه، در قبرس، اسکان دهد تا به صورت تدریجی آنها را به فلسطین منتقل کند. در بین سالهای ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۸ حدود ۱۲۰ هزار مهاجر وارد فلسطین شدند و با پایان یافتن دوره قیمومت بریتانیا در فلسطین تعداد یهودیان به ۶۲۵ هزار تن (یک سوم جمعیت فلسطین) رسید.

مهاجرت یهودیان در دوره قیمومت بریتانیا^{۴۳}

سال	تعداد مهاجران	مهاجران غیر قانونی	جمع کل
۱۹۱۹	۱,۸۰۶	-	۱,۸۰۶
۱۹۲۰	۸,۲۲۳	-	۸,۲۲۳
۱۹۲۱	۸,۲۹۴	-	۸,۲۹۴
۱۹۲۲	۸,۶۸۵	-	۸,۶۸۳
۱۹۲۳	۸,۰۹۳	-	۸,۰۹۳
۱۹۲۴	۱۲,۸۵۶	-	۱۲,۸۵۶
۱۹۲۵	۳۳,۸۰۱	-	۳۳,۸۰۱
۱۹۲۶	۱۳,۰۸۱	-	۱۳,۰۸۱
۱۹۲۷	۲,۷۱۳	-	۲,۷۱۳
۱۹۲۸	۲,۱۷۸	-	۲,۱۷۸
۱۹۲۹	۵,۵۴۹	-	۵,۵۴۹

سال	تعداد مهاجران	مهاجران غیر قانونی	جمع کل
۱۹۳۰	۴,۹۴۴	-	۴,۹۴۴
۱۹۳۱	۴,۰۷۵	-	۴,۰۷۵
۱۹۳۲	۹,۵۵۳	-	۹,۵۵۳
۱۹۳۳	۲۷,۶۸۲	۲,۴۶۵	۳۰,۱۴۷
۱۹۳۴	۳۸,۲۴۴	۴,۱۱۵	۴۲,۳۵۹
۱۹۳۵	۵۸,۰۰۵	۳,۸۰۴	۶۱,۸۵۴
۱۹۳۶	۲۷,۹۱۰	۱,۸۰۷	۲۹,۷۱۷
۱۹۳۷	۹,۸۵۵	۶۸۱	۱۰,۵۳۶
۱۹۳۸	۱۱,۴۴۱	۱,۴۲۷	۱۲,۸۶۸
۱۹۳۹	۱۶,۴۰۵	۱۱,۱۵۶	۲۷,۵۶۱
۱۹۴۰	۴,۵۴۷	۳,۸۵۱	۸,۳۹۸
۱۹۴۱	۳,۶۴۷	۲,۲۳۹	۵,۸۸۵
۱۹۴۲	۲,۱۹۴	۱,۵۳۹	۳,۷۳۳
۱۹۴۳	۸,۵۰۷	-	۸,۵۰۷
۱۹۴۴	۱۴,۴۶۴	-	۱۴,۴۶۴
۱۹۴۵	۱۲,۷۵۱	۳۷۰	۱۳,۱۲۱
۱۹۴۶	۷,۸۵۰	۹,۹۱۰	۱۷,۷۶۰
۱۹۴۷	۷,۲۹۰	۱۴,۲۵۲	۲۱,۵۴۲
۱۹۴۸	۲,۱۰۹	۱۵,۰۶۵	۱۷,۱۷۴

مهاجرت یهودیان پس از تشکیل دولت اسرائیل (۱۹۴۸ - ۱۹۶۷)

جنبش صهیونیستی با استفاده شیوه های مختلف گامهای بلندی در جهت مهاجرت یهودیان به فلسطین برداشت که از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد.

الف) استفاده از وعده های وسوسه انگیز برای مهاجرت به فلسطین با استفاده از شیوه های زیر:

۱. مأمور کردن کمیته ها و برخی محافل صهیونیستی به تبلیغات مداوم در آمریکا و اروپا و استفاده از نویسندگان و روزنامه نگاران و هنرمندان و شخصیتهای مذهبی در این تبلیغات برای قانع کردن یهودیان برای مهاجرت به فلسطین؛
۲. انتقال کودکان یتیم و وابستگان آنها به فلسطین؛
۳. تشویق دانشجویان یهودی و غیریهودی برای پیوستن به دانشگاههای اسرائیل؛
۴. تخصیص فعالیت نهادهای مسئول سازمان دهی مهاجرت به برنامه های مربوط

به تشویق جوانان ۱۶ تا ۲۰ سال برای گذراندن دوره های چند ساله زبان عبری در فلسطین؛

۵. عقد قرارداد با نظامیان یهودی در کشورهای اروپایی برای اقامت در فلسطین؛

۶. تشویق مسافرت به فلسطین و ترغیب مسافران به اقامت دائمی در این سرزمین و اعطای تسهیلات فراوان از قبیل مسکن و وام بانکی؛

۷. برپایی کنگره های صهیونیستی - یهودی در فلسطین و تشویق یهودیان برای اطلاع از نتایج این کنگره ها.

ب) توسل به روشهای تروریستی؛ به کارگیری این شیوه ها باعث شد تا یهودیان برای حفظ جان خود وادار به مهاجرت شوند. این محافل طی سالهای ۱۹۵۱ - ۱۹۵۰، مراکز تجمع یهودیان ساکن عراق را با بمب منفجر کردند. برای مثال می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. در اول مه ۱۹۵۰، انفجار در مرکز فروش اتومبیل وابسته به یهودیان؛

۲. در نهم سپتامبر ۱۹۵۰، انفجار بمب در یک قهوه خانه که تعداد زیادی از یهودیان مشغول برگزاری مراسم جشن عید فصح بودند؛

۳. در چهارم ژانویه ۱۹۵۱، انفجار بمب در نزدیکی کنیست یهودیان، این کنیست محل تجمع علاقه مندان به مهاجرت بود. در این حادثه، ۲۵ تن مجروح شدند که ۳ تن از آنان در بیمارستان در گذشتند. این رویداد باعث شد که حدود ۹۰ هزار تن از یهودیان عراق، از مجموع ۱۳۰ هزار تن یهودی ساکن این کشور، برای مهاجرت به فلسطین ثبت نام کنند.^{۲۲}

مسئله مهاجرت یهودیان به فلسطین با تشکیل دولت اسرائیل (۱۹۴۸) دچار دگرگونی شد. در مهاجرت های جدید، تعداد یهودیان مهاجر اروپایی کاهش یافت و در مقابل، بر تعداد مهاجران یهودی ساکن آسیا و آفریقا و جهان عرب افزوده شد. مهاجرت یهودیان در ۱۹۶۷ - ۱۹۴۸ به ترتیب زیر صورت گرفت:

در ۱۹۵۱ - ۱۹۴۸، حدود ۶۸۷ هزار مهاجر راهی فلسطین شدند. این مهاجرت نام «موج بزرگ مهاجرت» گرفت. یهودیان اروپایی ۴۸٫۵ درصد از کل مهاجران را تشکیل می دادند. بیشتر مهاجران یهودی این مرحله از عراق بودند (۵۱٫۹ درصد). سپس، یهودیان یمن شمالی (سابق)، ۱۸٫۹ درصد؛ و ترکیه، ۱۴٫۵ درصد، در ردیف دوم و سوم قرار می گرفتند. متوسط مهاجرت سالانه یهودیان در این مرحله به ۶۸۵، ۱۷۱ مهاجر می رسید. نگرانی از ضدیت با یهودیان و توهمات مربوط به قوم یهود از جمله انگیزه های اساسی این مهاجرت محسوب می شد.^{۲۵}

در فاصله ۱۹۶۰ - ۱۹۵۲، حدود ۲۹۴ هزار مهاجر یهودی راهی فلسطین شدند که مهاجران آفریقایی ۴۸٫۷ درصد (۸۷٫۱ درصد از آنان از کشورهای مغرب عربی بودند) و لهستانی ۵٫۹ درصد را تشکیل می دادند.^{۲۶}

در فاصله ۱۹۶۷ - ۱۹۴۸، با توجه به آمار مربوط به مهاجرت، آشکار می شود که از میان ۱،۲۵۵،۷۳۹ تن مهاجر، یهودیان شرقی بیشتر ۶۶،۸۷۹ تن مهاجر، یعنی ۵۳ درصد از کل مهاجران سالهای مزبور، را تشکیل می دادند.

سازمان جهانی یهودیان و دیگر محافل صهیونیستی پس از تجاوز اسرائیل در ۱۹۶۷ و اشغال کرانه غربی رود اردن، نوار غزه و بلندی های جولان، قلمرو مهاجرت یهودیان را توسعه داده و تعداد زیادی از مراکز جذب و استقبال مهاجران و رسیدگی به آنان را تشکیل دادند. هدف صهیونیست ها این بود که در پی اشغال سرزمینهای جدید، اعراب را در برابر عمل انجام شده قرار دهند. البته، بهبود وضع اقتصادی اسرائیل، پس از جنگ ۱۹۶۷، نقش مؤثری در جذب مهاجران جدید داشت. در ۱۹۷۲ - ۱۹۶۷، حدود ۱۵۱ هزار مهاجر وارد فلسطین شد که از این رقم اروپایی ها، از کشورهای مختلف، ۳۹٫۷ درصد و رومانیایی ها ۲۷٫۸ درصد بودند؛ اما آفریقایی ها ۲۴٫۳ درصد از رقم مهاجران را (که اکثریت ۸۹٫۷ درصد آنان از کشورهای مغرب عربی بودند) تشکیل می دادند.^{۲۷}

در واقع، تعداد یهودیان مهاجر شرقی در این مرحله کاهش یافت. به عبارت دیگر، می توان گفت که مهاجرت یهودیان از جهان عرب به فلسطین قطع شد و جنبش بین المللی صهیونیسم فقط به یهودیان کشورهای اروپایی شرقی، اروپا، آمریکای لاتین و ایالات متحده آمریکا چشم دوخت.

در ۱۹۷۹ - ۱۹۷۲، ۲۶۸ هزار مهاجر یهودی وارد فلسطین شد که از این رقم یهودیان اروپایی ۶۸٫۵ درصد (اکثریت ۷۴٫۸ درصد از اتحاد جماهیر شوروی بودند) و یهودیان رومانیایی ۱۰ درصد را تشکیل می دادند. در حالی که یهودیان آمریکایی ۱۶٫۸ درصد و یهودیان آرژانتینی ۲۹٫۲ درصد تعداد مزبور بودند. اوضاع ایران پس از سقوط شاه نیز موجب شد که تعداد مهاجران یهودی ایران افزایش یابد، به گونه ای که در ۱۹۷۹، ۱۹ درصد از مجموع مهاجران یهودی به اسرائیل ایرانی بودند.^{۲۸}

در خصوص مهاجرت یهودیان شوروی به فلسطین باید گفت که در ۱۹۷۹ - ۱۹۷۲، این مهاجرت به اوج خود رسید. تعداد کل مهاجران به رقمی حدود ۱۳۴، ۱۳۷، مهاجر قانونی، رسید. جدول زیر تعداد مهاجر و سال مهاجرت را در سالهای مزبور نشان می دهد.^{۲۹}

سال	تعداد کل مهاجران	مهاجرت به اسرائیل	مهاجرت به دیگر مناطق
۱۹۷۲	۳۱,۹۰۳	۳۱,۶۵۲	۲۵۱
۱۹۷۳	۳۴,۹۳۳	۳۳,۴۷۷	۱,۴۵۶
۱۹۷۴	۲۰,۶۹۵	۱۶,۸۱۶	۳,۸۷۹
۱۹۷۵	۱۳,۴۵۹	۸,۵۳۱	۴,۹۲۸
۱۹۷۶	۱۴,۲۸۲	۷,۲۷۹	۷,۰۰۳
۱۹۷۷	۱۶,۸۳۱	۸,۳۴۲	۸,۴۸۳
۱۹۷۸	۲۹,۰۵۹	۱۲,۱۹۲	۱۶,۸۶۷
۱۹۷۹	۵۱,۶۷۱	۱۷,۶۱۴	۳۴,۰۵۷

جدول فوق نشان می دهد در سالهای مزبور میزان مهاجرت یهودیان شوروی سیر نزولی داشته است؛ بخش اعظم آنها ترجیح می دادند به آمریکا و اروپا مهاجرت کنند. درصد کاهش تعداد مهاجران یهودی شوروی به اسرائیل طی سالهای مزبور بدین قرار است: ۵۰:

سال	درصد کاهش
۱۹۷۲	۰,۷۸۶٪
۱۹۷۳	۴,۱۶٪
۱۹۷۴	۱۸,۷٪
۱۹۷۵	۳۶,۶٪
۱۹۷۶	۳۹,۰۰٪
۱۹۷۷	۵۰,۰۰٪
۱۹۷۸	۵۸,۰۰٪
۱۹۷۹	۶۵,۹٪

موج مهاجرت (۱۹۸۷ - ۱۹۸۰)

در ۱۹۸۷ - ۱۹۸۰، ۱۰۷ هزار مهاجر یهودی وارد فلسطین شد که یهودیان اروپایی ۴۵,۳ درصد از این تعداد را تشکیل می دادند. بیشتر یهودیان مهاجر اروپایی را یهودیان شوروی (۳۰,۱ درصد) و رومانی (۲۴,۱ درصد) تشکیل می دادند. در

بیشتر آنان از اتیوپی (۳۳٫۵ درصد) و کشورهای مغرب عربی (۲۹٫۲ درصد) بودند.

از سوی دیگر، در این مرحله از مهاجرت، تعداد مهاجران یهودی شوروی به گونه ای قابل توجه کاهش یافت. در اگوست ۱۹۸۵، این تعداد به پایین ترین سطح خود طی ۱۳ سال رسید. در این ماه، فقط ۱۱ تن مهاجر از آن کشور وارد فلسطین شدند. این در حالی است که اسرائیل معتقد بود شوروی بزرگترین ذخیره مهاجران یهود را داراست؛ زیرا بزرگترین رقم یهودیان در کل اروپای شرقی در شوروی زندگی می کنند. جدول زیر تعداد یهودیان اروپای شرقی را نشان می دهد.^{۵۲}

تعداد کل جمعیت	تعداد یهودیان	نام کشور
۹,۹۰۳,۰۰۰	۵,۱۰۰	بلغارستان
۳۲,۰۱۷,۰۰۰	۲۳,۰۰۰	رومانی
۲۸۱,۷۰۰,۰۰۰	۲,۲۰۰,۰۰۰	اتحاد جماهیر شوروی
۲۳,۱۲۳,۰۰۰	۶,۰۰۰	یوگسلاوی
۲۷,۲۰۳,۰۰۰	۸,۰۰۰	لهستان
۱۵,۴۵۰,۰۰۰	۱۲,۰۰۰	چک و اسلواک
۱۰,۶۳۹,۰۰۰	۸۵,۰۰۰	مجارستان
۱۶,۶۲۴,۰۰۰	۶۵۰	آلمان شرقی

مهاجرت یهودیان اتیوپی [فلاشا]

مهاجرت یهودیان اتیوپی از ماه نوامبر ۱۹۸۴ تا اوایل ۱۹۸۵ به طول انجامید. در اینجا، باید به تاریخچه مهاجرت یهودیان اتیوپی (فلاشا) اشاره کرد. در ۱۹۵۵، اولین گروه از یهودیان اتیوپی وارد اسرائیل شد. این گروه شامل ۱۵ تن جوان یهودی بین ۱۱ تا ۱۷ سال بود. گروه دوم، در ۱۹۵۶ وارد اسرائیل شد. هدف، گذراندن یک دوره آموزشی در اسرائیل و بازگشت به اتیوپی بود تا فرزندان طایفه یهودی این کشور را آموزش دهند. در پی سقوط هایلاسلاسی در اتیوپی و روی کار آمدن منگیسترو هایلا ماریام (۱۹۷۴)، اسرائیل تبلیغات گسترده ای را به منظور نجات یهودیان اتیوپی از دست حکومت مارکسیستی جدید آغاز کرد. این تبلیغات، در پی پذیرش یهودیت طایفه یهود اتیوپی از سوی اوفود یایوسف، خاخام بزرگ یهودیان، در ۱۹۷۷، صورت گرفت.

با روی کار آمدن ائتلاف لیکود (۱۹۷۷)، اسرائیل فشارهای خود را بر حکومت منگیستو هایلا ماریام افزایش داد. این فشارها در ۱۹۸۴ - ۱۹۸۱ نتیجه دادو بر اثر بحرانی شدن وضع سیاسی - اقتصادی اتیوپی، ۷ هزار تن از یهودیان این کشور طی عملیاتی به نام «عملیات موسی» به طور مخفیانه به اسرائیل منتقل شدند. این تعداد از مهاجران، از مجموع ۱۰ هزار مهاجری بودند که در ورودگاه‌های مخصوص در جنوب سودان تجمع کرده بودند تا به اسرائیل منتقل شوند - حدود ۳ هزار تن از آنان بر اثر گرسنگی و بیماری جان خود را از دست دادند.

سرانجام تعداد این مهاجران از ۱۹۵۵ تا مرحله شروع «عملیات سلیمان» به حدود ۱۷ هزار تن رسید.^{۵۳} عملیات مذکور برای انتقال حدود ۱۵ هزار یهودی مهاجر از اتیوپی به اسرائیل بود که برای اجرای آن مقدمات وسیعی فراهم شده بود. این عملیات از طریق یک پل هوایی به مدت ۳۵ ساعت به اجرا درآمد. «عملیات سلیمان» از طریق تماس‌های گسترده مقامات اسرائیلی و اتیوپی و با همکاری آمریکا اجرا شد.^{۵۴} سرانجام، اوضاع سیاسی و نظامی اتیوپی بر اثر پیشروی قوای شورشی به سمت آدیس آبابا تا آنجا بحرانی گردید که منگیستو هایلا ماریام در ۲۱ مه ۱۹۹۲، به زیمبابوه پناه برد. به محض فرار رئیس جمهور از آدیس آبابا، «عملیات سلیمان» به اجرا درآمد. در جریان این عملیات، دفتر نخست وزیر مقرر مذاکرات پی در پی، با حضور موشه آرنز، وزیر دفاع، براك شاهاك، وزیر امور خارجه، دپوید لوی، وین مرفاف، آریل شارون و دیگر مقامات سازمان جهانی یهود، شد. این سازمان، علاوه بر پیگیری عملیات، مسئولیت برآوردن نیازهای مربوط به انتقال مهاجران یهودی از فرودگاه بن گورین به مراکز متعدد جذب مهاجران را برعهده داشت.^{۵۵}

اوری لوبرانی و سفیر اسرائیل در آدیس آبابا به عنوان دو مقام اسرائیلی با سافیا گابراکیدن رهبر کنونی اتیوپی، مذاکرات ویژه ای به عمل آوردند. به دنبال توافق به دست آمده، وزیر دفاع اسرائیل تصمیم گرفت که معاون رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل را به آدیس آبابا اعزام کند تا فرماندهی عملیات را برعهده گیرد. به هر حال، در ساعت ۴:۲۵ بعدازظهر روز ۲۴ مه ۱۹۹۱، اولین هواپیمای حامل مهاجران در یک فرودگاه نظامی نزدیک فرودگاه بن گورین به زمین نشست. سپس مقامات بلندپایه اسرائیل و در رأس آنها نخست وزیر از مهاجران استقبال کردند.^{۵۶}

هزینه عملیات فوق بین ۱۳۵ تا ۱۵۰ میلیون دلار آمریکا اعلام شد. ۳۷ فروند هواپیما، شامل ۱۸ فروند هرکولس، ۶ فروند بوئینگ ۷۰۷ نیروی هوایی اسرائیل،

۳ فروند هواپیمای جمبوجت، ۴ فروند هواپیمای بوئینگ ۷۶۷ و ۵ فروند بوئینگ ۷۵۷ شرکت هواپیمایی ال آل اسرائیل و یک فروند هواپیمای اتیوپی از نوع ۷۶۷، در این عملیات شرکت کردند. این هواپیماها، در مجموع از ساعات اولیه باسداد روز ۲۴ مه ۱۹۹۱، حدود ۴۱ پرواز انجام دادند که تا بعداظهر روز بعد، حدود ۱۴.۵۰۰ مهاجر را به اسرائیل منتقل کردند. این مهاجران پس از رسیدن به اسرائیل به ۱۰ منطقه استقرار یهودیان واقع در شمال، جنوب و پایتخت منتقل شدند.^{۵۷}

برپایه برخی اطلاعات مربوط به مهاجرت، از ۱۹۶۸ تا ۱۹۸۹، در مجموع حدود ۴۶۰ هزار یهودی وارد اسرائیل شدند. دیگر اطلاعات نیز حکایت از انتقال ۵۵۰ هزار مهاجر در همان فاصله را دارد.^{۵۸}

مهاجرت بزرگ یهودیان در ۱۹۸۹

در بیانیه تأسیس دولت اسرائیل آمده است:

«دولت اسرائیل درهای مهاجرت یهودیان را خواهد گشود تا همه تبعیدیان گردهم آیند. ملت یهود در سراسر جهان باید خود را برای زندگی در کنار همکیشان خود و کمک به آنها در مسئولیت مهاجرت و سازندگی آماده کند تا آروزی همیشگی، یعنی رهایی اسرائیل، تحقق یابد.»^{۵۹}

بن گورین نیز در مورد مهاجرت یهودیان می گوید:

«پیروزی نهایی اسرائیل در گرو مهاجرت گسترده یهودیان است. ساختن اسرائیل فقط بر مهاجرت وسیع یهودیان متکی است.»^{۶۰}

در پی اعلام سیاست پروسترویکای گورباچف، صهیونیست ها به تلاش وسیعی دست زدند تا دولت شوروی را به پذیرش مهاجرت یهودیان این کشور وادارند. اسحاق شامیر، نخست وزیر پیشین اسرائیل، تحقق این مهاجرت را بشارت داد و گفت:

«اتحاد شوروی پیش بینی می کند که صدها هزار یهودی طی سالهای آینده این کشور را ترك خواهند کرد. همچنین انتظار می رود که قانون جدیدی مبنی بر خروج یهودیان شوروی بدون کسب مجوز قبلی تصویب شود.»^{۶۱}

شش ماه پس از سخنان اسحاق شامیر، دولت شوروی مقررات و قید و بندهای مربوط به مهاجرت یهودیان این کشور را لغو کرد. این اقدام، در پی مذاکرات طولانی بین مقامات اسرائیل و شوروی که از ۱۹۸۵ شروع شد، صورت گرفت. در ابتدا، این مذاکرات جنبه محرمانه داشت. در ۱۶ ژوئیه ۱۹۸۵، میان یوری ورتسفس و اووادیالوفیر، سفیران شوروی و اسرائیل، در پاریس ملاقات محرمانه ای

صورت گرفت. مطبوعات اسرائیل به نقل از ورنستف مطالب زیر را فاش کردند :
«قطع روابط اتحاد شوروی با اسرائیل در ۱۹۶۷، خطایی مخاطره آمیز بود. اما این خطا قابل اصلاح نبود، مگر آنکه شرایط جدیدی رخ می داد که از سرگیری روابط را توجیه کند.»

مذاکرات بین اسرائیل و شوروی با ملاقات ادوارد شواردنادزه، وزیر امور خارجه شوروی، و شیمون پرز، نخست وزیر پیشین اسرائیل، در اکتبر ۱۹۸۵، شکل جدی تری بخود گرفت. همچنین در ۱۸ اگوست ۱۹۸۶، بین نمایندگان شوروی و اسرائیل در هلسنکی مذاکرات ویژه ای صورت گرفت.

گوریچف نیز در اواخر آوریل ۱۹۸۷، هنگام دیدار از سوریه، به احتمال از سرگیری روابط شوروی و اسرائیل، در چارچوب روند حل و فصل بحران خاورمیانه، اشاره کرد. ملاقات دیگر بین آناتولی دویرنن، رئیس بخش روابط خارجی کمیته مرکز حزب کمونیست، و شیمون پرز در مه ۱۹۸۸ در منزل اوگا پرونگمان، رئیس کنگره جهانی یهودیان، صورت گرفت. در ۲۸ ژوئیه ۱۹۸۸ نیز یک هیئت کنسولی اسرائیل وارد مسکو شد. رئیس این هیئت هنگام ورود به مسکو اظهار داشت: «ورود این هیئت اولین گام در راه بهبود روابط اسرائیل و اتحاد شوروی محسوب می شود.» همچنین در اوایل ژانویه ۱۹۸۹، ملاقاتی بین شواردنادزه، وزیر امور خارجه شوروی، و موشه آرنز در پاریس انجام شد که شواردنادزه در پی آن از تصمیم دولت متبوع خود برای بالابردن حجم حضور دیپلماتیک شوروی در تل آویو سخن به میان آورد. در فوریه ۱۹۸۹ نیز ملاقات دیگری بین شواردنادزه و موشه آرنز در قاهره صورت گرفت.

امتناع مسکو از رأی دادن به قطعنامه تعلیق عضویت اسرائیل در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در ۱۷ اکتبر ۱۹۸۹، از جمله نشانه های بهبود روابط بین شوروی و اسرائیل شناخته شد. ۶۲ این در حالی است که مذاکرات شوروی و اسرائیل در زمینه روابط بازرگانی منجر به انعقاد چند موافقت نامه تجاری بین مسکو و تل آویو شده بود. از این رو، مهاجرت یهودیان در اوایل ۱۹۹۰، به گونه ای متمرکز شروع شد. طبق آمار «مرکز آمار اسرائیل»، تعداد مهاجران یهودی طی یک سال (از ۳۰ فوریه ۱۹۸۹ تا ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۰) به حدود ۱۵۵ هزار تن رسید که ۸۸ درصد آنان از یهودیان شوروی بودند. این بالاترین رقم مهاجران در فاصله زمانی یک سال از زمان مهاجرت دسته جمعی ۱۹۵۱ - ۱۹۴۸ به شمار می رود. ۶۳

بر پایه اطلاعات فوق، جمعیت اسرائیل در ۱۹۹۰، به ۳,۷۵۵,۰۰۰ نفر رسید که ۸۱٫۷ درصد از این جمعیت (۳,۸۴۲,۰۰۰) یهودی بودند. این آمار نشان می دهد که

رشد جمعیت اسرائیل در ۱۹۸۹، ۱٫۶ درصد بوده است.^{۶۲} در فاصله ۱۹۹۱ - ۱۹۹۰، تعداد ۳۶۰ هزار یهودی به اسرائیل مهاجرت کردند. از این تعداد، ۲۰۰ هزار نفر در ۱۹۹۰ - یعنی سالی که شاهد اوج گیری بی نظیر مهاجرت یهودیان شوروی بود - به اسرائیل مهاجرت کردند. فروپاشی غیرمنتظره نظام شوروی، بحران اقتصادی و نیز بروز بحران امنیتی که تا پیش از پیدایش پرسترویکا سابقه نداشت، از عوامل این مهاجرت بی نظیر بود. در بررسی جزئیات این مهاجرت عظیم این نکته آشکار می شود که ۷۱ درصد مهاجران بالای سن ۱۵ سال قرار داشتند. بعلاوه، حدود ۲۵ درصد از این مهاجران تخصص داشتند، ۱۹ تن از دانشمندان علوم اتمی شوروی نیز در شمار آنان بودند.^{۶۵}

اسحاق پز، وزیر پذیرش مهاجران در دولت اسرائیل، اعلام کرد که حدود ۱۷۰ هزار مهاجر یهودی جدید در ۱۹۹۱ وارد اسرائیل شدند که از این تعداد ۱۴۵ هزار تن از شوروی بودند. او توضیح داد که این تعداد در مقایسه با ۱۹۹۰، ۲۳ درصد کاهش داشته است. او به نقل از سمیحا دنیس، رئیس سازمان جهانی یهودیان، اعلام کرد که اسرائیل انتظار داشت ۲۲۰ هزار یهودی شوروی در ۱۹۹۱ به اسرائیل مهاجرت کنند. او افزود که علت اصلی کاهش تعداد مهاجران به مشکلات موجود بر سر راه جذب مهاجر، بریزه در زمینه اشتغال، باز می گردد. سمیحا دنیس به این نکته اشاره کرده بود که فروپاشی شوروی ممکن است روند مهاجرت را شدت بخشد.^{۶۶} در همین زمینه، سازمان جهانی یهودیان اعلام کرد که ۴۸۶ تن از یهودیان کشورهای تازه استقلال یافته شوروی در ۲۶ دسامبر ۱۹۹۱ از طریق دریا وارد اسرائیل شدند. مهاجران با یک کشتی اجاره شده به وسیله یک سازمان مسیحی هوادار اسرائیل وارد بندرگاه حیفا شدند. این، اولین گروه از مهاجران یهودی بود که پس از ۱۹۸۹ از طریق دریا وارد اسرائیل می شد.^{۶۷}

رئیس سازمان جهانی یهودیان در خصوص کاهش پیش بینی شده مهاجران، دولت اسحاق شامیر را مشول دانست. برخی آمارهای رسمی اسرائیل نشان می دهد که تعداد مهاجران یهودی در ۱۹۹۲ به ۱۴۵ هزار تن رسید؛ در حالی که پیش بینی های قبلی رقم ۴۰۰ هزار مهاجر را نشان می داد. سمیحا دنیس اظهار داشت:

«دهها هزار تن از مهاجران به دلیل افزایش رقم بیکاری در اسرائیل، مهاجرت خود را به تعویق می اندازند. متوسط بیکاری در اسرائیل ۱۰ درصد می باشد که در ۲۰ سال گذشته بی سابقه بوده است.»^{۶۸}

اسرائیل برای ایجاد تسهیلات لازم در مهاجرت یهودیان، ایستگاه ویژه ای برای عبور آنان در مناطق اروپای شرقی از جمله بوداپست، بخارست، ورشو، فراهم کرد. در هلسنکی، نیز ایستگاه ویژه ای به همین منظور ایجاد شد.^{۶۹} همچنین شرکت هواپیمایی ال آل اسرائیل از فوریه ۱۹۹۲، روزانه ۱۶ پرواز مستقیم را از شوروی به اسرائیل آغاز کرد.^{۷۰}

سیمحا دیتس در ۲۹ دسامبر ۱۹۹۱، در زمینه بسیج امکانات مربوط به جذب یهودیان شوروی اظهار داشت:

«اسرائیل این آمادگی را دارد که یک میلیون تن از یهودیان مهاجر کشورهای تازه استقلال یافته اتحاد شوروی [سابق] را جذب کند.» او گفت که اگر اوضاع شوروی به لحاظ سیاسی، اقتصادی و نظامی بحرانی شود و اقلیتها، بویژه یهودیان، در معرض خطر قرار گیرند، اسرائیل آماده است یک میلیون نفر از آنان را جذب کند. او افزود: «سیاست ما بر این پایه استوار است که در کوتاه ترین زمان، بیشترین تعداد ممکن از مهاجران یهودی را جذب کنیم و اکنون حدود ۱٫۲ میلیون تن از یهودیان اتحاد شوروی برای انتقال به اسرائیل آمادگی دارند.»^{۷۱}

او در مورد کاهش تعداد مهاجران یهودی گفت که تعداد مهاجرانی که در آوریل ۱۹۹۲ به اسرائیل مهاجرت کردند، در مقایسه با ماههای آخر ۱۹۸۹ کاهش شدیدی داشته است. یوری جاردون، مسئول مهاجرت در سازمان جهانی یهودیان، نیز اظهار داشت:

«کمتر از ۴ هزار یهودی در آوریل ۱۹۹۱ از مجموعه کشورهای مستقل وارد اسرائیل شدند که این رقم کمتر از نصف تعداد مهاجران در آوریل ۱۹۹۰ است. تعداد مهاجران یهودی در پایان ماه آوریل ۱۹۹۲، به ۱۵ هزار تن رسید و این بدین معناست که تعداد کل مهاجران در سال ۱۹۹۲ به رقمی در حدود ۶۰ هزار تن می رسد، در حالی که در سالهای ۱۹۹۰، ۱۹۹۱ به ترتیب ۱۸۵ هزار و ۱۴۵ هزار مهاجر وارد اسرائیل شدند.»

اسرائیل امیدوار بود که مهاجران یهودی شوروی، جمعیت اسرائیل را در نیمه دهه ۹۰، به میزان یک پنجم افزایش دهند. جاردون، در آوریل ۱۹۹۲، اسحاق شامیر، نخست وزیر وقت اسرائیل، را متهم کرد که به دلیل عدم مبارزه با بیکاری، دهها هزار یهودی علاقه مند به مهاجرت را به وحشت انداخته است.^{۷۲} سازمان جهانی یهودیان در دسامبر ۱۹۹۱، پیش بینی کرده بود که تعداد مهاجران یهودی کشورهای تازه استقلال

یافته شوروی در ۱۹۹۱ به ۱۲۰ تا ۱۵۰ هزار نفر می رسد. این سازمان اعلام کرده بود که حدود ۵۰ هزار مهاجر از کشورهای تازه استقلال یافته اجازه خروج گرفته بودند، اما گزارشهای مربوط به مشکلات مهاجران یهودی در اسرائیل باعث شد که آنها مهاجرت خود را به حال تعلیق در آورند.^{۷۳} طبق اعلام مراکز کاریابی اسرائیل، تعداد بیکاران یهودی در بین مهاجران جدید در نوامبر ۱۹۹۱، به حدود ۴۰ هزار نفر رسید. این رقم از زمان شروع مهاجرت یهودیان شوروی بی سابقه بوده است.

مناخیم بورش، معاون وزیر کار اسرائیل، طی نامه ای برای اسحاق شامیر، نخست وزیر وقت اسرائیل، که در آن زمان عهده دار پست وزارت کار و امور اجتماعی نیز بود، با اشاره به این آمار از او خواست تا هر زودتر به وضعیت نابسامان کار رسیدگی کند. همچنین طبق آمار رسمی وزارت کار اسرائیل، تعداد بیکاران در نوامبر ۱۹۹۱ به حدود ۱۰ هزار نفر رسید که برای آنها اجازه استفاده از تسهیلات دوره بیکاری صادر شد. در پایان همان ماه، تعداد بیکارانی که از تسهیلات دوره بیکاری استفاده می کردند به ۷۷ هزار نفر رسید که در مقایسه با اکتبر همان سال (۶۸ هزار نفر بیکار) افزایشی حدود ۱۵/۵ درصد را نشان می داد.^{۷۴} در گزارش سالانه مرکز آمار اسرائیل ذکر شده که تعداد مهاجران یهودی به اسرائیل ۲۰ درصد کاهش یافته و تعداد کل آنها در ۱۹۹۰، به ۱۸۵,۲۰۰ مهاجر و در ۱۹۹۱ به ۱۴۸ هزار نفر رسیده است.

خانم دבורا لیتسون، سخنگوی کانون صهیونیستی یهودیان شوروی، می گوید: «یهودیان شوروی [سابق] برای انتخاب مهاجرت، تحت فشار نیستند... شیطان شناخته شده بهتر از شیطان ناشناس است». دבורا لیتسون اضافه کرد: «یهودیان شوروی [سابق] مانند دو سال قبل که فعالیتهای ملی گرایان متعصب و مخالف یهودیان به اوج رسید، نگران جان و مال خود نیستند».^{۷۵}

بعلاوه، عوامل متعددی بر روند مهاجرت یهودیان به اسرائیل تأثیر منفی گذاشت، از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. اوضاع داخلی اسرائیل، بحران اقتصادی، بیکاری و ناسازگاری مهاجران جدید با واقعیتهای موجود؛ مهاجرت یهودیان شوروی در حالی آغاز شد که مراکز جدید اقتصادی در اسرائیل در جذب نیروی کاری بیشتر ناتوان بودند. در واقع، حدود ۲۰۰ هزار نفر (۱۱ درصد) از مجموع نیروی کار اسرائیل بیکار هستند. همچنین نیمی از نیروی کار مهاجران جدید که تعداد آنها به ۴۰۰ هزار نفر می رسد، موفق به یافتن کار

نشده اند. در نتیجه، بسیاری از علاقه مندان به مهاجرت تصمیم گرفتند سفر خود را به تعویق اندازند و یا لغو کنند.

۲. آمادگی کشورهای غربی، بویژه آمریکا، برای جذب مهاجران یهودی؛
۳. عامل امنیتی؛ به گفته هرتزل، ایجاد «پناهگاه امن» برای یهودیان، از جمله هدفهای بزرگ جنبش صهیونیستی است. اگر تمام آرزوهای هرتزل تحقق یافته باشد، این یک آرزو هنوز برآورده نشده است؛ زیرا «پناهگاه امن»، برخلاف نظر هرتزل که معتقد بود با پیدایش دولت جدید، «وطن امن یهودیان» ایجاد خواهد شد، پدید نیامد. هم اکنون، اسرائیل از جمله مناطقی است که به دلیل مناقشه اعراب و اسرائیل و نیز مبارزه پر دامنه جنبش مقاومت فلسطین و انتفاضه، فاقد امنیت می باشد.^{۷۶}

یک مسئول بلند پایه در امور مهاجرت یهودیان، روز ۳۱ اوت ۱۹۹۲ اظهار داشت که بسیاری از مهاجران یهودی شوروی به دلیل فقدان شرایط مناسب کار، ترجیح می دهند به جای اسرائیل به آمریکا یا آلمان مهاجر کنند. سیمحا دنیس نیز طی مصاحبه ای با رادیو اسرائیل گفت که ۳۷ هزار یهودی مهاجر در نیمه اول ۱۹۹۲ به آمریکا و آلمان مهاجرت کردند و ۳۰ هزار تن از آنان به اسرائیل سفر نمودند. او نیز شرایط نامساعد کار را دلیل این نوع مهاجرتها دانست. همچنین تعداد مهاجران یهودی در اوایل ۱۹۹۲ به حدود ۳ هزار تن رسید که هرچند این رقم در اگوست سال مزبور به ۵ هزار نفر افزایش یافت، اما در واقع، این کمتر از نصف مهاجرانی بود که اسرائیل می توانست جذب کند. همچنین تعداد ۴,۹۳۳ تن از مهاجران کشورهای استقلال یافته، در اوت همان سال وارد اسرائیل شدند و با این رقم تعداد مهاجران از ابتدای ۱۹۹۲ به ۱۳۵,۳۷ نفر رسید که در مقایسه با ۱۹۹۱ (۸۳۴,۱۰۶ مهاجر)، ۶۶ درصد کاهش داشت. یادآوری این نکته ضروری است که بودجه ۱۹۹۲ اسرائیل برپایه جذب ۲۰۰ هزار مهاجر یهودی تنظیم شده بود.^{۷۷}

آثار اقتصادی مهاجرت یهودیان

در اسرائیل، مسأله هزینه های جذب یهودیان و تأثیر آن بر اقتصاد این کشور که از مشکلات فراوانی رنج می برد، با کشمکش حادی مواجه است. مهاجرت یهودیان موجب شده که بحران اقتصادی اسرائیل تشدید شود؛ و این در حالی است که تخصیص بودجه کلان برای امور نظامی همچنان ادامه دارد. در این چارچوب، نشانه های زیر به چشم می خورد:

۱. تراکم کسری موازنه بازرگانی و هزینه ها؛

۲. افزایش رکورد اقتصادی؛ به عنوان مثال، اگر داده های مربوط به شاخصهای اقتصادی - روند رشد تولید ناخالص ملی - را مورد توجه قرار دهیم، در ظاهر به نظر می رسد که اسرائیل مرحله رکورد اقتصادی را پشت سر گذاشته است. طبق اطلاعات مرکز آمار اسرائیل، روند رشد تولید ناخالص ملی طی سالهای اخیر به شکل زیر بوده است:

سال	درصد
۱۹۸۸	۲٫۱
۱۹۸۹	۱٫۲
۱۹۹۰	۴٫۸
۱۹۹۲	۵٫۶

اما واقعیت در پیشرفت کیفی، چیز دیگری است؛ زیرا افزایش رشد تولید ناخالص ملی از نتایج حصول بهبود در سه زمینه است:

الف) حصول پیشرفت افقی در بخش ساختهای اقتصادی (برق، راهها و غیره) که در اسرائیل و سرزمینهای اشغالی بر اثر افزایش سرمایه گذاری ها در این بخش بوده است؛^{۷۸}

ب) افزایش مصرف فردی و اجتماعی بر اثر توسعه بازارهای محلی و مهاجرت وسیع یهودیان به اسرائیل؛^{۷۹}

ج) انتقال به مرحله جدید، امروزی کردن صنعت نظامی و افزایش نظامی گری مدرن پس از جنگ خلیج فارس؛

در مقابل، بخشهای تولید صنعتی و کشاورزی با بحران فزاینده ای مواجه شد و میزان بیکاری افزایش یافت. به عنوان مثال، در ۱۹۹۰، تولید صنعتی حدود ۴ درصد کاهش یافت و در ۱۹۹۱، تولید صادرات صنعتی با ۶ درصد کاهش مواجه شد. جدول زیر برخی از پیشرفتهای را در زمینه زیر ساختهای اقتصادی در مقابل افزایش میزان بیکاری و غیره نشان می دهد:

شاخصهای توسعه اقتصادی در ۱۹۹۱ - ۱۹۸۸

(در چارچوب مهاجرت ۴۰۰ هزار مهاجر یهودی به اسرائیل)^{۸۰}

شاخصها	۱۹۸۸	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱
تولید ناخالص داخلی	۲٫۱٪	۱٫۳٪	۴٫۸٪	۹٫۸٪
تولید داخلی (اشتغال)	۱٫۸٪	۱٫۶٪	۵٫۸٪	۱۱٫۴٪
واردات غیرنظامی	-	۱٫۱٪	۱۰٫۶٪	۲۲٫۳٪
مصرف فردی	۲٫۸٪	۱٪	۳٫۸٪	۱٪
مصرف عمومی غیرنظامی	۳٫۵٪	۰٫۴٪	۱٫۴٪	۱٫۸٪
در مستغلات ثابت				
(به طور مشخص ساختمان)	۵٪	۵٫۴٪	۲۶٫۱٪	۵۷٫۱٪
میزان بیکاری	۶٫۵٪	۸٫۹٪	۱۰٪	۱۰٫۴٪

۳. افزایش کسری بودجه؛ کسری بودجه اسرائیل از ۳٫۲ درصد ناخالص ملی، در ۱۹۸۸، به بیش از ۷ درصد، در ۱۹۹۱، رسید. این باعث شد که تورم مالی به گونه ای فزاینده تشدید شود. به عنوان مثال، می توان به افزایش تورم در ۱۹۹۱ به صورت زیر اشاره کرد.^{۸۱}

ماه	درصد
ژانویه	۱٫۲
مارس	۱٫۲
آوریل	۲٫۲
مه	۱٫۹
ژوئن	۲٫۰
ژوئیه	۳٫۰
اوت	۲٫۱
سپتامبر	۱٫۶

۴. بی ثباتی مالی و کاهش ارزش پول اسرائیل؛ متوسط کاهش ارزش برابری «شیکل» از زمان شروع مهاجرت وسیع مهاجران، در مقایسه به سبد ارزشهای خارجی

وابسته به آن، به حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد در سال رسید.^{۸۲} در نتیجه، نرخ بهره بانکی و بهای اوراق بهادار بورس دچار تزلزل شدیدی شد.

اعتبارات ۱۰ میلیارد دلاری آمریکا به اسرائیل

در پی بیش از یک سال کشمکش بین آمریکا از یک طرف و سازمانهای یهودی و اسرائیل از طرف دیگر، در مورد اعتبارات ۱۰ میلیارد دلاری که اسرائیل آن را برای اسکان مهاجران یهودی جدید از آمریکا خواسته بود و نیز پس از آنکه رسیدگی به این درخواست اسرائیل از اکتبر ۱۹۹۱ به مارس ۱۹۹۲ موکول شد، واشنگتن پس از پیروزی اسحاق رابین در انتخابات با اعطای این اعتبارات موافقت کرد. ابراهام شاحت، وزیر اقتصاد اسرائیل، در موافقت آمریکا با اعطای این اعتبارات مالی اظهار داشت:

«من به عنوان وزیر اقتصاد اسرائیل بسیار خرسندم؛ زیرا بخوبی تأثیر مثبت این اعتبارات را بر اقتصاد اسرائیل و شکوفایی آن درک می‌کنم و معتقدم که این اعتبارات به اسرائیل امکان خواهد داد تا از مراکز اقتصادی جهان وام کم بهره دریافت کند؛ این به خودی خود به محافل بازرگانی جهان پیام خواهد داد که اسرائیل از ذخیره ارزی بسیار زیادی برای توسعه اقتصادی برخوردار است.»^{۸۳}

یاکف فرنکلل، رئیس بانک مرکزی اسرائیل، نیز تصریح کرد که مدت بازپرداخت این اعتبارات تا ۳۰ سال تمدید خواهد شد. کارمزد این اعتبارات هم از ۰٫۳ درصد در سال تجاوز نخواهد کرد.^{۸۴}

یادآوری این نکته ضروری است که آمریکا از اوایل دهه ۵۰ تا کنون، حدود ۵۰ میلیارد دلار کمک مالی در اختیار اسرائیل گذاشته که ۷۰ درصد آن به صورت بلاعوض و از محل «اموال دولتی» پرداخت شده است. همچنین آمریکا کمکهای دیگری از قبیل تسهیل فروش اوراق قرضه اسرائیل و ایجاد تسهیلات لازم برای جمع آوری کمکهای مالی به اسرائیل در اختیار تل آویو قرار داده است. برای مقایسه حجم کمکهای مالی آمریکا به اسرائیل کافی است به این نکته اشاره کرد که تل آویو حدود ۳۰ درصد از کل کمکهای خارجی آمریکا را بخود اختصاص می‌دهد. همچنین حجم کمکهای مالی آمریکا به اسرائیل طی ۳ سال مالی (۱۹۸۹ - ۱۹۸۷) معادل مجموع کمکهای مالی آمریکا به اروپا، پس از جنگ جهانی دوم، در چارچوب طرح مارشال بوده است.^{۸۵} اوراق قرضه نیز یکی از منابع مهم و ثبات در اقتصاد اسرائیل به شمار می‌رود؛ زیرا میلیاردها دلار را به سازندگی و توسعه اقتصادی اختصاص داده است. ارزش این اوراق در فاصله سالهای ۱۹۸۵ - ۱۹۶۵، ۱،۹۶۵،۰۰۰، ۷،۳۴۲،۰۰۰ دلار آمریکا بوده است.^{۸۶}

مهاجرت یهودیان و ارتش اسرائیل

صهیونیسم سیاستهای خود را از زمان ورود نخستین مهاجران یهودی به اسرائیل (۱۹۰۷) تا کنون، بر پایه نظامی گری و خشونت استوار کرده است. در ۱۹۰۷، ۱۰ تن از یهودیان با تجمع در یافا برای پیشبرد هدفهای یهودیان سوگند وفاداری یاد کردند. این عده پرچم جمعیتی را برافراشتند که نام خود را «پارژیرا» گذاشته بود. شعار جمعیت این بود: «یهودا با آتش و خون سقوط نمود و با آتش و خون دوباره قیام خواهد کرد». در واقع، این شعار، اساس پیشرفت ارتش اسرائیل در مراحل گوناگون و ارتباط آن با روند مهاجرت یهودیان و تقویت آن از طریق جذب نیروهای تازه محسوب می شود. اما با مطالعه گزارش سرگرد موشه بن من، رئیس دایره آموزش سلوک در ارتش اسرائیل، این نکته به چشم می خورد که مهاجران جدیدی که در چارچوب خدمت اجباری زیر پرچم به ارتش ملحق می شوند، به طور کلی از افسردگی، تشتت اعصاب، سهل انگاری، ناتوانی و بی انگیزگی رنج می برند. آنها چندان علاقه ای به انجام خدمت وظیفه از خود نشان نمی دهند و اگر علاقه ای در بین باشد، فهم چگونگی ابراز آن دشوار است.

دایره مزبور حدود یک سال قبل و همزمان با اوج گیری بحث و گفتگو درباره احتمال ورود مهاجران یهودی شروری به اسرائیل، طی تحقیقاتی که به منظور بررسی انگیزه های خدمت وظیفه در میان مهاجران جدید و بالا بردن روحیه آنان انجام داد، نتایج ناامید کننده ای به دست آورد، به گونه ای که علاقه مندان به جذب موج جدید مهاجرت یهودیان را سخت برآشفتم. به موجب این تحقیق، حدود ۶ درصد از مهاجران علاقه چندانیه به انجام خدمت وظیفه از خود نشان نمی دهند. در یک تحقیق جدید، آشکار شد که فقط ۲۶ درصد مهاجران، آن هم جوانان ۱۷ تا ۲۳ سال، علاقه زیادی به انجام خدمت نظام وظیفه دارند.

در مجموع، از ۵۰ تا ۹۶ درصد مهاجران یهودی چندان علاقه ای به خدمت نظام وظیفه ندارند و انگیزه آنها برای انجام آن بسیار اندک است. علت اصلی این است که مهاجران جدید از ارتباط موجود بین ارتش و مقوله امنیت از یک طرف و امنیت و زندگی آنها در اسرائیل از طرف دیگر، درک درستی ندارد. این در حالی است که انجام خدمت وظیفه در اسرائیل به میزان ۸۲ درصد در تقویت دولت مؤثر است.^{۸۷} در همین تحقیق، دو عامل اصلی برای ظهور این وضعیت در نظر گرفته شده است:

۱. مشکلات شخصی مهاجران جدید از قبیل نیاز به اشتغال و کسب درآمد و

تأمین مسکن و کمک به خورشاندان ؛
 ۲. فقدان عوامل سازگاری با جامعه اسرائیل، از قبیل زبان، پذیرش متقابل و
 عدم آشنایی با ماهیت خدمت نظام وظیفه در ارتش اسرائیل. ^{۸۸} ●

تعداد مهاجران یهودی از ۱۵ مه ۱۹۴۸ تا ۱۹۸۹ (به هزار)
 جدول شماره یک

مراحل زمانی مهاجرت	تعداد مهاجران در هر مرحله	تعداد مهاجران در یک سال
از مه ۱۹۴۸ تا ۱۹۸۹	۱,۸۲۸,۵۰	۲۴۰۶
از مه ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۱	۶۸۶۷	۱۸۹۲
از ۱۹۵۲ تا ۱۹۵۳	۵۴۱	۱۸۰
از ۱۹۵۵ تا ۱۹۵۷	۱۶۲۹	۵۵۰
از ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۰	۷۵۵	۲۵۵
از ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۲	۲۸۸۰	۵۷۰
از ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۸	۸۱۳	۲۰۳
از ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۱	۱۱۶۵	۳۳۸
از ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۳	۱۲۲۵	۳۲۶
از ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹	۱۲۳۸	۲۵۰
از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۳	۸۳۷	۱۶۷
از ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۸	۳۶۱	۱۱۳

منبع: موشه سکرون، «الهجرة إلى اسرائیل (۱۹۴۸-۱۹۸۸)»، مجله سکیرا هودشت، شماره ۴، ۱۹۸۹، ص ۱۷، روزنامه هکراتر (۲۹ ژانویه، ۱۹۹۰).

نقاط وجود یهودیان - ۱۹۸۵ - ۱۹۸۴ (به میلیون)

جدول شماره ۲

تعداد یهودیان در	۱۹۴۸ درصد	تعداد یهودیان در ۱۹۸۵	درصد
مجموع یهودیان	۱۱,۵	۱۳۰,۱	۱۰۰
در اسرائیل	۰,۷	۳,۶	۵۰
در امریکا	۵,۸	۶,۵	۵۰
در اروپا	۳,۷	۲,۶	۲۰
در آفریقا	۰,۷	۰,۲	۲
در آسیا	۰,۷	۰,۲	۲

منبع: موشه سکرون، «الهجرة إلى اسرائیل (۱۹۴۸-۱۹۸۸)»، مجله سکیرا هودشت، شماره ۳، ۱۹۸۹، ص ۷.

نقاط تجمع یهودیان در جهان، تجمع عمده آنها در ۱۹۸۲ (به میلیون)

جدول شماره ۳

تجمع های بزرگ یهودیان و درصد آنها در مقایسه با یهودیان سراسر جهان	تعداد یهودیان	مراکز تجمع	تعداد یهودیان	قاره
%/۴۳۹	۵,۷۰۵	آمریکا	۶,۰۱۳	آمریکای شمالی
%/۲۶	۳,۳۷۴	اسرائیل	۰,۴۶۴۷	آمریکای میانه و جنوبی
%/۱۲/۵	۱,۶۲	شوروی سابق	۲,۸۴۲۷	اروپا
%/۴/۱	%/۵۳۰	فرانسه	%/۰۴۲	آسیا
%/۲/۷	%/۳۵	انگلستان		آسیا (بدون اسرائیل)
%/۲/۴	۳,۰۸	کانادا		
%/۲/۷	%/۳۵	آرژانتین	۳,۳۷۴	اسرائیل
%/۰/۹	۰,۱۱۹	آفریقای جنوبی	۰,۱۷۲	آفریقا
%/۰/۸	۰,۱۰۰	برزیل	۰,۰۷۹	اقیانوسیه

تذکر: درصد یهودیان در نقاط بزرگ تجمع (بدون اسرائیل)، در مقایسه با یهودیان سراسر جهان، ۹۱ درصد و در نقاط تجمع بزرگ (با اسرائیل) ۹۵ درصد است.

منبع: 329-326 American Jewish Yearbook, Vol. 85, New York, pp.

سیر تعداد یهودیان در جهان و فلسطین (۱۹۸۵ - ۱۸۵۰)

جدول شماره ۴

سال	تعداد یهودیان در جهان (به میلیون)	تعداد یهودیان در فلسطین (به هزار)
۱۸۵۰	۴٫۸	—
۱۸۸۲	۷٫۷	۲۴
۱۸۹۵	—	۴۷
۱۹۰۰	۱۰٫۷	۴۷
۱۹۱۴	۱۳٫۵	۸۵
۱۹۱۶	۰	۵۷
۱۹۲۲	۰	۸۴
۱۹۲۵	۱۴٫۸	۱۲۲
۱۹۳۱	۰	۱۷۵
۱۹۳۵	۰	۳۵۵
۱۹۴۰	۱۶٫۷	۴۶۷
۱۹۴۵	۱۱	۴۶۴
۱۹۴۷	۱۱٫۲۷۰	۶۳۰
۱۹۴۸	۱۱٫۳۰	۶۵۰
۱۹۵۱	۱۱٫۵۲۳	۱٫۴۰۴
۱۹۵۴	۱۱٫۸۶۷	۱٫۵۲۶
۱۹۵۷	۱۲٫۰۳۵	۱٫۷۶۳
۱۹۶۱	۱۲٫۸۶۶	۱٫۹۳۲
۱۹۶۴	۱۳٫۲۲۵	۲٫۲۳۹
۱۹۶۶	۱۳٫۵۳۸	۲٫۳۴۵
۱۹۶۸	۱۳٫۸۷۶	۲٫۵۳۵
۱۹۶۹	۱۳٫۸۷۶	۲٫۵۰۷
۱۹۷۲	۱۴٫۳۷۱	۲٫۷۵۳
۱۹۷۵	۱۴٫۱۴۵	۲٫۹۵۹
۱۹۷۸	۱۴٫۳۹۶	۳٫۱۴۱
۱۹۸۰	۱۳	۳٫۲۸۳
۱۹۸۴	۱۳	۳٫۴۷۲
۱۹۸۵	۱۳	۳٫۵۱۷

منبع: مجموعه آمار اسرائیل شماره ۳۱ سال ۱۹۸۰ ص ۲۳ و شماره ۳۷ سال ۱۹۸۶ ص ۲۹.

پاوققها:

١. عبدالوهاب المسيرى و سوسن محمد حسين ، موسوعه المفاهيم و المصطلحات الصهيونية ، (القاهرة : مركز الدراسات و الاستراتيجيه بالاھرام ، ١٩٧٥) ، ص ١٨٩ .
2. *Law of Return* , David Bengurion Selections (1951) , p.34.
٣. نامہ بن گورين به همسرش ، ٢٧ ژوئيه ١٩٣٧ ، رسائل بن خوريون ، دار القدس ، ١٩٧٩ ، ص ١١٨ .
٤. صامد الاقتصادى ، سال دوازدهم ، شماره ٨٢ (سيپتامبر- اكتوبر- نوامبر ، ١٩٩٠) ص ١٧ .
٥. عطا محمد صالح زهره ، «الهجره اليهوديه الاستعماريه : قراءه جديد» ، شؤون عربيه ، شماره ٥٢ ، (دسامبر ١٩٨٧) ، ص ٧٥ .
٦. هيثم الكيلانى ، «الصليبيه و الصهيونيه : دراسه مقارنه» شؤون عربيه ، شماره ٥٢ ، (دسامبر ١٩٨٧) ، ص ٢١ .
7. "The Jewish State", *Law of Return*, p. 26.
٨. عبدالرحمن ابو عرفه ، الاستيطان التطبيقى العملى للصهيونيه ، (دار الجليل للنشر المؤسسه العربيه للدراسات و النشر . ١٩٨١) ، ص ٢٧ .
٩. همان كتاب .
١٠. همان منبع .
١١. الموسوعه الفلسطينيه ، جلد چهارم ، (١٩٨٢) ، ص ٥١٧ .
١٢. عبدالحفيظ محارب ، «نشأة التنظيمات الصهيونيه الملحمه» ، شؤون فلسطينيه ، (اوت ١٩٨٠) ، ص ٨٢ - ١٠٨ .
١٣. الموسوعه الفلسطينيه ، جلد چهارم ، (١٩٨٢) ، ص ٥١٨ .
١٤. همان كتاب .
١٥. همان كتاب .
١٦. همان كتاب .
١٧. همان كتاب .
١٨. همان كتاب .
١٩. عبدالرحمن ابو عرفه ، همان كتاب .
٢٠. همان كتاب ص ٥٢ .
٢١. الموسوعه الفلسطينيه ، جلد چهارم ، (١٩٨٢) ، ص ٥١٦ .
٢٢. همان كتاب .
٢٣. يوسف وايتس ، ملكية الارض - الهجرة و الاستيطان ، (القدس ، ١٩٧٣) ، ص ١٠٨ - ١٠٣ .
٢٤. ادوارد سيدهم ، مشكله اللاجئيين العرب ، (قاهره ، ١٩٦٣) ، ص ٦٣ .
٢٥. عمر ابوالنصر ، جهاد فلسطين العربيه يانا ، (١٩٦٣) ، ص ١٣ .

٢٥. عمر ابوالنصر، جهاد فلسطين العربية يافا، (١٩٦٣)، ص ١٣.
٢٦. سيدهم، همان كتاب .
٢٧. وايتس، همان كتاب .
٢٨. اميل توما، «جذور القضية الفلسطينية» دراسات فلسطينية، شماره ٩٣ (بيروت: سازمان آزادي بخش فلسطين، ١٩٧٣)، ص ١٩٦.
٢٩. الموسوعة الفلسطينية.
٣٠. الموسوعة اليهودية، جلد دوازدهم، ص ١٢٤.
٣١. المختار، به نقل از: دراسات فلسطينية شماره ١، ص ٢٧٣.
٣٢. همان منبع، ص ٢١٥.
- ٣٣، ٣٣، *Statistical Abstract of Israel*, (1990), p. ١٣٥،
٣٤. الياس سعد، الهجرة اليهودية الى فلسطين المحتلة (١٩٦٨ — ١٨٨٢)، (بيروت: مركز الابحاث، ١٩٦٩)، ص ٣٤.
٣٥. ايغال آكون، انشاء و تكوين الجيش الاسرائيلي، ترجمة عثمان سعيد و ناجي علوش، (بيروت: دارالعودة، ١٩٧١)، ص ١٨٠.
٣٦. عبدالرحيم احمد حسين، النشاط الصهيوني خلال الحرب العالمية الثانية (١٩٢٥ — ١٩٣٩)، (بيروت: المؤسسة العربية للدراسات والنشر)، ص ٧٤ — ٧٣.
٣٧. همان كتاب.
٣٨. همان كتاب.
٣٩. همان كتاب، ص ٨٦.
٤٠. الموسوعة الفلسطينية، ص ٥١٩.
٤١. همان كتاب.
٤٢. همان كتاب.
٤٣. الموسوعة الفلسطينية.
٤٤. مجلة همولام هازيه، (٦ ژون، ١٩٦٦). علوم انساني و مطالعات فرهنگي
٤٥. صامد الاقتصادي، شماره ٨٢.
٤٦. همان كتاب.
٤٧. همان كتاب.
٤٨. يهود ايران، (نشرة مركز المعلومات الحكومي، ١٩٧٩)، ص ١٢.
٤٩. صامد الاقتصادي، شماره ٧٢، (أوريل — مه — ژون، ١٩٨٨)، ص ١٦٦.
٥٠. همان .
٥١. صامد الاقتصادي، همان . شماره ٨٢، ص ٣٣١.
٥٢. دراسات فلسطينية، شماره ٢٢٠ — ٢١٩، (١٩٩٠)، ص ٦٣.
٥٣. داوار، (٢٦ مه، ١٩٩١).
٥٤. شوون فلسطينية، شماره ٢٢٠ — ٢١٩، (١٩٩٠)، ص ١٣٤ — ١٣٣.
٥٥. همان . ص ١٣٤.
٥٦. همان .

٥٧. همان .
٥٨. «الصراع الديمغرافي في فلسطين المحتلة» ، اعداد مجموعه من الباحثين من الارض المحتلة صادر عن المكتب الفنى / اللجنة المشتركة (عمان ، ١٩٨٦) ، ص ٢٢ .
٥٩. مجلة فكر شماره ٢٤ - ٢٣ ، ص ١٥٠ .
٦٠. نيويورك تايمز ، ٢ فوريه ١٩٦٩ .
٦١. ال همشمار ، (٢٧ ژوئن ، ١٩٨٩) .
٦٢. براى اطلاعات بيشرت نگاه كنيد به : الدراسات الفلسطينية ، شماره ١ (١٩٩٠) ، ص ص ٢٦٣ - ٢٥٦ .
٦٣. هآرتز ، (١٩ سبتمبر ، ١٩٩٠) .
٦٤. همان .
٦٥. حوار و اعداد توفيق ابوبكر ، «ندوة اليهود السوفيات» ، الدستور ، (٢٨ آوريل ، ١٩٩٢) .
٦٦. الاتحاد ، (حيفا) ، (٢٩ دسامبر ، ١٩٩١) .
٦٧. القدس (چاپ بيت المقدس) ، (٢٨ دسامبر ، ١٩٩١) .
٦٨. همان كتاب .
٦٩. هآرتز ، (٢٨ دسامبر ، ١٩٩١) .
٧٠. همان .
٧١. الاتحاد (چاپ حيفا) ، (٣٠ دسامبر ، ١٩٩١) .
٧٢. الدستور ، (٣٠ آوريل ، ١٩٩٢) .
٧٣. همان .
٧٤. معاريو ، (١٦ دسامبر ، ١٩٩١) .
٧٥. القدس ، (٣ مارس ، ١٩٩٢) .
٧٦. «ندوة اليهود السوفيات» ، همان .
٧٧. الرأى ، (١ سبتمبر ، ١٩٩٢) .
٧٨. دراسات فلسطينية ، شماره ٨ ، (باييز ١٩٩١) ، ص ص ٣٠٦ - ٣٠٥ .
٧٩. همان .
٨٠. همان .
٨١. «معلومات شهرية في موضوع الاقتصاد و المجتمع» ، معهد الابحاث الاقتصاديه و الاجتماعيه . شماره ٣٧ (سبتمبر ١٩٩١) ، ص ١٤ و شماره ٢٨ ، (اكتوبر ، ١٩٩١) ، ص ٣٣ .
٨٢. دراسات فلسطينيه ، ص ٣٠٧ .
٨٣. الدستور ، (١٣ اوت ، ١٩٩٢) .
٨٤. الدستور ، (١٨ اوت ، ١٩٩٢) .
٨٥. السفير ، (٢٨ فوريه ، ١٩٩٢) .
٨٦. همان .
٨٧. الرأى ، به نقل از : معاريو ، (١٠ مارس ، ١٩٩٢) .
٨٨. همان .